

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشتۀ پپ اسکوبار - [Pepe Escobar](#)

برگردان از: حمید محوی

۲۳ اکتوبر ۲۰۱۲

ونزوئلا:

چرا هوگو چاوز در انتخابات پیروز شد



یک بار دیگر، در چهاردهمین انتخابات، هوگو چاوز فریاس – آن فردی که مرتجعان اتلانتيست به نهایت از او نفرت دارند – در شرایط کاملاً شفاف، تحت نظارت بخش خدماتی سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و سازمان دولت های امریکائی، قاطعانه دوباره به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد.

در اینجا دو انتخابات مطرح بود. یکی چاوز را در مقابل نماینده کمپرادورها [مالکان بزرگ]، نئولیبرال و مرتجع که لباس دموکرات به تن کرده بودند قرار می داد - یعنی در مقابل هنریک کاپریل رادونسکی – وکیل مدافع و نماینده منافع واشینگتن در ونزوئلا. و دیگری امریکای جنوبی پیشگام بود که با «بیگ برادر» رویارویی می کرد که خواهان دولتی در جایگاه مشتری و مطیع بود.

چاوز پیروز شد، زیرا پیش از همه طرح بولیوار بین مردم خیلی طرفدار دارد. سال های چاویسم – با وجود تمام نقایص و کیش افسارگسیخته شخصیت – اجازه داد که حاکمیت ملی ونزوئلا تشکیل یابد، و ثروت ملی به بخش خدمات عمومی و محرومان قرار گیرد و حقوق حداقل مناسبی تعیین گردد. همان گونه که چاوز می گوید در این مورد می توانیم از «سوسیالیسم در قرن بیست و یکم» حرف بزنیم.

در امریکای لاتین به همین شکلی که یاد شد، مطمئناً راهی است به سوی جامعه ای بر اساس برابری. در دوران ماقبل انتخابات، چاوز با احترام از گوآکیپورو یاد کرد که رهبر بومی بود و قبایل تک و کاراکاس را علیه استعمارگران اسپانیایی فرماندهی می کرد – او در جایگاه نماد کلیدی مقاومت ونزوئلا است. «ما همه گوآکیپورو هستیم» فراخوانی بود که به خوبی ظنین انداخت و روی ریشه های بومی کشور تکیه داشت: «مقاومت بومی و سیاه که مبارزه ستم دیدگان را هدایت می کرد».

در ازای نفت، بی سوادی وجود ندارد!

واقعیات حرف می زنند. امروز کشف کرده اند که ونزوئلا روی بزرگترین ذخیره نفتی جهان نشسته است، یعنی ذخیره ای که حتی از ذخائر عربستان سعودی نیز مهمتر است. ولی تا همین اواخر «گنجینه» نفتی بود که توسط برگزیدگان متکبر و حریص سنتی اداره می شد، و توده های مردم از امکانات آموزشی مناسب، مسکن مناسب یا حقوق کافی برخوردار نبودند.

موفقیت چاویسم همین بود که به تدریج جامعه عمودی را به شکل افقی هدایت کرد. چاویسم نه کمتر از ۴۳ درصد از بودجه دولت را به حل مجموعه ای از مسائل اجتماعی اختصاص داد. میزان بی کاری از ۲۰ درصد به ۷ درصد رسید. طی ۱۰ سال گذشته بیش از ۲۲ دانشگاه دولتی ایجاد کرد. شمار استادان از ۶۵۰۰۰ به ۳۵۰۰۰۰ ارتقاء پیدا کرد. بی سوادی برچیده شد و اصلاحات کشاورزی نیز در شرف تکوین است – یعنی رؤیای تمام امریکای جنوبی. روشن است که طبقه حاکم در این جشن شرکت نداشتند – همان گونه که در برزیل، آرژانتین یا بولیوی (با این وجود طبقه حاکم موفق شد که در پاراگوئه کودتا به راه بیندازد و دولت دموکراتیک و قانونی را سرنگون سازد). در ونزوئلا، ده سال پیش از این، همین طبقه برگزیده و متکبر سعی کرد به پشتیبانی رسانه های بزرگ - کودتایی به راه بیندازد، که تنها سه روز بینوا طول کشید. توده ها اعلام کردند:

Pasaran No

به عبارتی می توانیم بگوئیم که هنریک کاپریل رادونسکی، نامزد انتخابات ریاست جمهوری، به عنوان نوزاد دموکرات، مستقیماً در کودتای سال ۲۰۰۲ شرکت داشت و به همین علت نیز مدتی را در زندان به سر برد. ونزوئلا بهترین میزان شاخص «جینی» (شاخص اقتصادی برای محاسبه توزیع ثروت در میان مردم) را دارا می باشد، و به این معنا است که این کشور در مجموعه کشورهای امریکای لاتین کمترین میزان اختلاف طبقاتی را نشان داده است. در گزارش جنوری ۲۰۱۲، کمیسیون اقتصادی برای امریکای لاتین و کارائیب، تأیید شده است که ونزوئلا و اکوادور بین ۱۹۹۶ و ۲۰۱۲ مقام اول را در زمینه کاهش فقر در سر اسر کشورهای امریکائی را به دست آورده است.

طی این مدت، امریکائی هائی که در ایالات متحده زندگی می کنند با انتشار آمار «گالوپ» (شرکت خدماتی برای آمار و منابع انسانی) شگفت زده شدند که ونزوئلا «پنجمین کشور خوشبخت در جهان است». و نه تنها به دلیل رقص سالسا...

جای شگفتی نیست که رسانه های ایالات متحده، در اروپای غربی و در امریکای جنوبی داستانهائی از ونزولائی هائی تعریف می کنند که در رویای تبعید و نوشیدن مارتینی در میامی منتشر می کنند. ولی واقعیت این است که شمار زیادی از جوانان اسپانیائی که در اروپا سرنوشتی برای آینده حرفه ئی خود نمی بینند، برای جست و جوی کار به ونزولا می روند.

ابلیس نمائی چاوز در رسانه های بزرگ غربی به شکل رقت انگیزی مسخره است، به عنوان مثال اخیرا مرگ او را اعلام کردند و برایشان گران تمام می شد که بپذیرند که سرطانی که چاوز از آن رنج برد با موفقیت توسط پزشکان کوبائی معالجه شد.

علت اصلی توجه خاصی که صنعت ابلیس سازی به مورد چاوز نشان می دهد، از آنجائی منشأ می گیرد که او از همکاری با فانتزی های جغرافیای سیاسی واشینگتن اجتناب می کند. چاوز مناسبات نزدیکی با رهبران چین بر قرار کرده (ونزولا در آینده نزدیک یک میلیون بشکه نفت در روز به چین صادر خواهد کرد)، از حق ایران برای برنامه هسته ئی صلح آمیز دفاع می کند، تا آخرین لحظه از قضای دفاع کرد و جنگ علیه لیبیا را به عنوان مداخله غیر قانونی ناتو افشاء نمود، و از دولت سوریه نیز در مقابله با آن چه که تروریسم سلفی- جهاد طلب می نامد پشتیبانی می کند، و علاوه بر این منبع الهامات دائمی برای کشورهای امریکای لاتین، از بولیوی تا نیکاراگوئه و اکوادور بوده است.

مشخصا نمی دانیم که آیا او باما در صورتی که برای دومین بار در انتخابات پیروز شود آیا واقعا خواهان برقراری مناسباتش با ونزولا بر اساس احترام متقابل خواهد بود یا نه.

سال ۲۰۱۲ ونزولا میزان رشد ۵ درصدی داشته که فراتر از آرژانتین (۲ درصد) و برزیل (یک ونیم درصد) بوده است. اقتصاد ونزولا به شکل نسبی سوسیالیستی بوده و موجب تولید کار، اعتبار بیشتر، و سرمایه گذاری دولتی بیشتر شده که حاصل آن رشد اقتصادی پایدار بوده است. از دیدگاه درونی، مبارزه طبقاتی به شکل جادویی ناپدید نشده است. بی نوایان موقعیت خود را مستحکم می کنند، دست کم در طبقه متوسط پائین. در طبقه متوسط در حال رشد و طبقه متوسط بالا، تمایل بیشتری برای مصرف نشان می دهد.

سرطان قلب چاویسم به طور کلی بی تأثیر بودن و بزهکاری است. این مبارزه ای است که در درون صورت می گیرد و باید پیروز شود. همان گونه که جیمز پتراس باور دارد، کلید موفقیت پیشرفت در سیاستهای اجتماعی چاوز در مبارزه بی امان علیه بزهکاری در سیاست محلی و در دستگاه دولتی است.

امریکای جنوبی در رابطه با واشینگتن به دو گروه تقسیم شده : چاویسم، و آن چه که در توافق برزیل مطرح شده است. شیلی، کلمبی و اروگوئه به طرفداران توافق برازیلیا تعلق دارند، و حتی پرو به ریاست جمهوری اولانتا هومالا. روشن است که توافق برازیلیا مترادف «لولیسمو» می باشد، به تبع رئیس جمهور لولا که از وجهه مردمی بسیار بارزی برخوردار است و او باما نیز او را فرد نیکی می داند.

با این وجود چاویسم در بولیوی و اکوادور وجهه مردمی دارد. سپس آنهائی هستند که در آرژانتین و پاراگوئه (پیش از کودتا علیه فرناندو لوگو) تردید دارند.

با این وجود، اختلافات به دیدگاه های جزئی در رابطه با درجات اقتصاد اجتماعی و ادامه سیاست خارجی مستقل است. ولی همه در الگوی بنیادی اتفاق نظر دارند : تکیه به رشد اقتصادی، برابری اجتماعی، دموکراسی واقعی و تحول تدریجی.

چاوایسم معتدل تر، دوری جستن از کیش شخصیت موفقیت های چشم گیرتری در امریکای لاتین خواهد داشت. ولی موانع زیادی بر سر این راه گذاشته شده – مانند کودتای پاراگوئه، کودتای هندوراس، دست آویز قراردادن مسائل حفاظت محیط زیستی در بولیوی، پافشاری دائمی واشینگتن در ابلیس نمائی چاوز. و موضوعی که اکثریت قاطع امریکای لاتین نمی توانند فراموش کنند: یعنی چهارمین ناوگان ایالات متحده که آنها را تحت نظر گرفته است.

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۱۵ اکتوبر ۲۰۱۲

منطقه: امریکای لاتین و کارائیب

گاهنامه هنر و مبارزه/ترجمه توسط حمید محوی/پاریس/۲۲ اکتوبر ۲۰۱۲

Chavez a remporté les élections Venezuela : Pourquoi Hugo

<http://www.mondialisation.ca/venezuela-pourquoi-hugo-chavez-a-remporte-les-elections/5308327>